

SHARIF UNIVERSITY

کارخانه رویاسازی

عکس: رسول اخوان مهدوی

محمد صالح سلطانی

سرمقاله

ورودی ۹۷ ارشد صنایع

را پیش پای فارغ‌التحصیلش می‌گذارد. چون پر از استاد و دانشجوی نخبه است، چون پر از آدم دغدغه‌مند و دلسوز است و چون «شریف» است. شریف، پر از رویاهای رنگارنگ است اما کسی که انتخاب می‌کند به کدام رویا دل ببندد و آن را تا رسیدن به دریای واقعیت دنبال کند، خود شما هستید. شمای که امروز، با سری پر از سوال و دلی پر از شوق، پا به دانشگاه می‌گذارید و «عصر جدید» تان را آغاز می‌کنید. این یکی دو ترم اول را توریست باشید. همه‌جا را نگاه کنید، برنامه‌ها و گروه‌های مختلف را ببینید، پای هر سفره‌ی رنگینی که برای جذب‌تان پهن شده، چند دقیقه‌ای بنشینید اما گرفتن تصمیم را موکول کنید به یک سال دیگر، همین موقع. یعنی روزی که گردنه‌ی ترم ۲۰۱ را با موفقیت پشت سر گذاشته، ریاضی ۲۰۱ را با نمره‌ی خوب گذرانده، و جای پای‌تان را در دانشگاه محکم کرده‌اید. انجمن اسلامی دانشجویان مستقل هم، یک گذرگاه است برای ساخت رویا، جایی برای تمرین کار فرهنگی و سیاسی و اجتماعی، فرصتی برای اندوختن و عمیق کردن تجربه. اینجا و در این ویژه‌نامه، هم کمی درباره‌ی شریف عزیزمان گپ می‌زنیم و هم، اندکی با انجمن اسلامی دانشجویان مستقل آشنا می‌شویم. دفتر ما، در همکف ساختمان ابن‌سیناست. قدم بگذارید به دیدی منت. پذیرای تان هستیم برای گپ‌های بیشتر و حرف‌های مفصل‌تر. اینجا، خانه‌ی شماست. خوش آمدید.

اینجا سرزمین رویاهاست. یا اگر بهتر بخواهم بگویم: کارخانه رویاسازی. این، یک توصیف اغراق‌شده و کلیشه‌ای از «دانشگاه صنعتی شریف» نیست. زمان انتخاب رشته هم مدت‌هاست تمام شده و دیگر کسی مشتاق تبلیغ و جذب کردن تازه‌کنکورداشته‌ها نم‌اند. اینجا، واقعا کارخانه رویاسازی است. برای هر کس، با هر رویایی. می‌گویید نه؟ می‌توانید از کسانی بپرسید که شریف را پل کرده‌اند و این روزها در مهم‌ترین مراکز تحقیقاتی ایران و جهان مشغول فعالیت‌های علمی و تخصصی هستند. یا سراغ کسانی بروید که به واسطه شریف و پژوهشکده‌های اطرافش، امروز در لایه‌ی تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری برای مدیران کلان کشور، نقش‌آفرینی می‌کنند. یا آن‌ها که از شریف زده‌اند به خط «رسانه» و این روزها در میان فعالین رسانه‌ای کشور قرار دارند. راه دور برویم چرا؟ می‌توانید سری به همین مسجد دانشگاه بزنید و روزهای پنجشنبه، آن‌همه طلبه‌ی شریفی را ببینید که بعدِ کارشناسی، راه حوزه‌ی علمیه را در پیش گرفتند و امروز، درس دین می‌خوانند. شریف، رنگین‌کمانی از رویاها را به دانشجویش هدیه می‌دهد و مسیرهای گوناگونی

شریف از این سوی نمایشگر

به جای مقدمه

احتمالا این روزها با ویژه‌نامه های مختلف و متنوع محاصره شده‌اید! از تشکلهای تا کانون ها و انجمن های علمی و غیره، همه و همه می خواهند خود را به شما معرفی کنند. عموما یا می خواهند شما را با فعالیت های خود آشنا کنند یا از آن بیشتر، میخواهند شما را جذب و وارد گروه خود کنند. به عنوان کسی که چند سال تجربه فعالیت دانشجویی دارد پیشنهاد میکنم فعالیت همه گروه هایی که به نظر تان جالب هستند را به طور جدی پیگیری کنید اما زود برای ورود به هیچ مجموعه ای تصمیم نگیرید. نه به خاطر اینکه بعدا پشیمان می شوید! اتفاقا به خاطر اینکه عموم فعالیت های دانشجویی به قدری جذاب هستند که شما را یک یا چند سال درگیر خود کنند و شما شاید هرگز نفهمید که می توانستید به جای این گروه، وارد گروه دیگری بشوید و صد برابر بیشتر نفع و لذت ببرید؛ و اینکه لطفا وارد گرداب فعالیت دانشجویی نشوید. اهمیت درس را فراموش نکنید. پیدا کردن تعادل بین کار های مختلف از مهارت هائی است که یا در دانشگاه یاد می گیرید و رستگار می شوید یا نمی گیرید و به زحمت خواهید افتاد.

موضوع این یادداشت اما هیچ کدام از حرف های بالا نیست! این یادداشت برای معرفی اجمالی سامانه های دانشگاه است. سامانه هایی که برای زندگی راحت در دانشگاه لازم است سازوکار آن ها را بلد باشید.

سلام بر اینترنت رایگان!

در تمام دانشکده ها و برخی نقاط دیگر دانشگاه می توانید وای فای دانشگاه را با آنتن خوب پیدا کنید. سرعتش البته تعریفی ندارد ولی کار شما را راه خواهد انداخت. گرفتن رمز و نام کاربری هم بسیار ساده است، دفتر خدمات فناوری را در خیابان غربی مسجد، پایین تر از مرکز فلسفه علم پیدا کنید، درخواست نام کاربری و رمز عبور بدهید و اطلاعات را دریافت کنید. فقط یادتان نرود که شیوه اتصال با تلفن همراه و لپ تاپ را جداگانه بپرسید که برای استفاده از حجم اینترنت خود به دردرس نیافتید.

غذا

حالا که خیالمان از اینترنت راحت شد! به سراغ غذا برویم. وارد سایت dining.sharif.ir شوید. از گوشه بالا سمت چپ، وارد سامانه شوید. نام کاربری: شماره دانشجویی، رمز: کد ملی. در بخش مالی - افزایش

اعتبار حساب کاربری خود را شارژ کنید. تا چهارشنبه صبح وقت دارید غذای هفته بعد را رزرو کنید. لطفا هرچه سریع تر به سرموقع رزرو کردن غذا عادت کنید چون اگر فراموش کردن رزرو غذا برایتان عادی شود، روز های بسیاری یا باید درگیر روزخريد باشید یا بی غذا خواهید ماند. از این نعمت خدادادی، این غذای ارزان قیمت غافل نشوید. راضی بودن یا نبودن از کیفیت غذا هم به خودتان مربوط است. من شخصا در مورد غذا سختگیر نیستم لذا مشکلی با کیفیت غذای دانشگاه ندارم و معتقدم غذای دانشگاه غذای خوبی است اما هستند عده ای که از غذا راضی نیستند. البته قطعا غذا های مختلف هم از نظر کیفیت متفاوت هستند.

انتخاب واحد

یکی از هیجان انگیزترین لحظات دوران دانشجویی شما لحظه انتخاب واحد در ابتدای هر ترم است! اولاً با سایت terminator.ir آشنا شوید. اینجا می توانید درس های ترم آینده که می خواهید را انتخاب کنید و زمان درس ها را با هم تنظیم کنید. معمولا در ترم های اول مسیر درسی و درس هایی که می خواهید انتخاب کنید مشخص تر است. هرچه جلو می روید می بینید هرکس مسیر متفاوتی را برای گذراندن درس ها انتخاب کرده است. یادتان باشد! باید حدودا تا یک هفته قبل از انتخاب واحد، درس هایی که می خواهید انتخاب کنید را از طریق سامانه edu.sharif.edu امور ثبت نام و ترمیم - فرم مشاوره انتخاب واحد، برای استاد راهنمای خود ارسال کنید. بعد باید در روز و ساعتی که برای انتخاب واحد شما مشخص شده به سایت edu امور ثبت نام و ترمیم مراجعه کرده و انتخاب واحد کنید. حتما ساعت انتخاب واحد را از جدولی که در صفحه اول edu وجود دارد چک کنید. حتما یکی دور روز قبل کنار یکی از سال بالایی های خودتان بنشینید و فرایند انتخاب واحدش را نگاه کنید. و در نهایت اگر درس هایی به شما نرسید خیلی غصه نخورید! اولاً در زمان ترمیم می توان جبران کرد (زمان ترمیم را هم حتما بدانید. ترمیم مثل انتخاب واحد است اما بعد از شروع کلاس ها) دوما بعضا می توان برای گرفتن درس ها روی نامه استاد راهنما هم حساب کرد.

این البته یک معرفی کلی بود. هرچه زودتر با تمام این سامانه های و سامانه های دیگر دانشگاه مثل سایت کتابخانه یا ftp و امثالهم آشنا شوید برای خودتان بهتر است. موفق باشید! :

خوابگاه خوب من

"خوابگاه" شاید عده ای از آن به خوبی یاد کنند و برای عده ای ناخوشایند باشد، کسی که سهم بزرگی در این یادآوری ها دارد هم اتفاقی است. یادم می آید ابتدای تحویل اتاق شش نفره نگران برخی مصائبش بودم که مبدا به مشکلاتی بر بخورم اما بعد ها متوجه شدم که خیر، این معادله برعکس است و تازه هم اتفاقی مشکلات تو را حل هم می تواند بکند.

ویژگی بارز اتاق ما این بود که بابت کوچکترین مسائل هم شده دور هم جمع می شدیم و باهم در مورد آن صحبت می کردیم. شاید در بعضی موارد باعث می شد که من روی موضوعاتی حمیتی داشته باشم اما رفته رفته این هم اتفاقی هایم بودند که مرا متوجه این اخلاقم کردند.

یادم می آید ماه مبارک رمضان بود که من دچار درد شدیدی شدم و مجبور بودم که به بیمارستان بروم و این هم اتفاقی من بود که کلاسش را رها کرد و با دهان روزه همراه من آمد. حس انسان دوستی او مرا سخت مجذوب خودش کرده بود!

خاطره ی دیگر ماه مبارک این بود که قرار بود با هم غذایی را برای افطار آماده کنیم اما من قبلش می خواستم کمی استراحت کنم و خوابم برده بود و از جهت آنکه مبدا مرا اذیت کنند، بیدارم نکردند و خودشان افطار را آماده کرده بودند.

چیزی که هیچگاه فراموش نمی کنم تلاشمان برای بیدار شدن برای نماز صبح بود که تمامی روش ها حتی صدای خروس را امتحان کردیم که خواب نمائیم. از همه شیرین تر این بود که یکی از بچه ها چند دقیقه بالای تخت می نشست و تا تو را از خواب بیدار نمی کرد نمی رفت.

اسفندماه سال گذشته بود که در جلسه ای که با ادوار انجمن مستقل داشتیم یکی از بزرگان تشکل توصیه زیبایی کردند که در این مسیر از همه بیشتر از خدا دوست خوب و کتاب خوب را طلب کنید. من وقتی برمی گردم و نگاه می کنم، می بینم بهترین دوست یک نفر می تواند همان هم اتاقی اش باشد.

خارج از دانشگاه جاذبه ها و قصه‌ها بسیار است که مهمترینش به خوابگاه‌ها مربوط می‌شود. من چهار سال در خوابگاه طرشت زندگی کردم. زندگی در خوابگاه هرچند سختی‌هایی دارد که دل را برای خانه سخت تنگ می‌کند، اما محیطی ست که در آن می‌شود بزرگ شد و مسئولیت‌های جدیدی را تجربه کرد. فقط کافیسیت سطح سازگاری خود را بالا ببرید و از زندگی کردن کنار دوستان هم‌سن و سال اما بعضا بسیار متفاوت با خود، لذت ببرید. نمی‌خواهم همین اولین روزهای شریفی شدن با سختی‌ها روبه‌رویتان کنم، اما راستش را بخواهید داستان امنیت خوابگاه‌ها و مشکلات صنفی آن‌ها سابقه‌ای طولانی دارد. که اگر بخواهید می‌توانید برای حل شدنشان تلاش کنید و موفق هم بشوید!

در آخر بعنوان کسی که آخرین لحظات دانشجویی ام در مقطع کارشناسی را می‌گذرانم، می‌خواهم چند توصیه به شما داشته باشم:

اول از همه اینکه خیلی خوب درس بخوانید. شما به محض ورود به دانشگاه جز قشر نخبگانی کشور محسوب می‌شوید و چشم مردمان بسیاری به شماست تا ببینند در ازای بیت‌المالی که خرج تحصیلتان می‌شود، چه می‌کنید؟ پس یکی از اهدافتان را حتما دانش‌جوی خوب بودن تعریف کنید. اینکه هدفتان از تحصیل و کسب مدارک علمی بهتر و بالاتر چیزی جز اشتغال و درآمدزایی نباشد، زبینه‌ای یک جوان ایرانی نیست. همه‌ی ما دربرابر میز و صندلی و درس استادی که در اختیارمان است مسئولیم.

فکر کردن به «ایلا» به خودی خود چیز بدی نیست و از توصیه‌های اسلام فراگیری دانش‌ولو با سفر به نقاط دور و تحمل سختی‌هاست؛ اما ایلا کردن «هدف» اگر شد، مخرب است. چراکه اگر محقق شود به بی‌هدفی بعدی و اگر محقق نشود به نومیدی منجر می‌شود. برای پیداکردن هدف و آرمان زندگی‌تان خوب وقت بگذارید!

دومین توصیه‌ام این است که حتما به ساختمان شهید رضایی و هم‌کف ابن‌سینا که محل قرارگیری عمده کانون‌ها و تشکل‌ها و گروه‌هاست سر بزنید. شما مجبور نیستید حتما در یکی از آنها عضو شده و فعالیت کنید، شاید اصلا علاقمند هم نشوید، اما این حق را به خودتان بدهید که علاوه بر سمینارهای متعدد علمی، فعالیت‌های فوق برنامه را هم تجربه کنید. برای این شناخت و تجربه هم خوب وقت صرف کنید. شاید حتی مثل من سال چهارم دانشگاه جای مناسب و موردعلاقه خودتان را پیدا کردید!

توصیه‌ی سوم مربوط به کاری است که اگر به عقب برگردم هرگز از آن غفلت نمی‌کنم و آن استفاده از امکانات ورزشی دانشگاه است. آدمی برای هرکاری نیاز به بدنی سالم و فکری شاداب دارد. و چه چیزی بهتر از ورزش برای تامین این نیاز! فکر می‌کنم ورزش منظم داشتن در دانشگاه برای ما دانشجویان که کلی فعالیت فکری و جسمی ناگزیر داریم، از واجبات است. سعی کنید با سال‌بالایی‌های هم رشته‌ای یا بقیه‌ی رشته و اساتیدتان رابطه‌ی دوستانه برقرار کنید تا زمینه‌ی استفاده از تجربیات آنها برایتان فراهم شود. که برای ساختن گاری لازم نیست چرخ را از نو اختراع کنیم.

سخن آخر اینکه، شریفی بودن حس غرور و شادی نابی را برایتان رقم خواهد زد. اما نباید فراموش کرد که دانشگاه شریف هم تنها یک منزلگاه است نه مقصد. مقصد همه‌ی ما تنها اوست که آگاه به احوالات درونی و بیرونی همه‌ی ماست.

منصوره جعفری

ورودی ۹۲ فیزیک

معرفی
دانشگاه

دانشگاه صنعتی شریف...این عبارت سه کلمه‌ای، مدینه‌ی فاضله‌ی بسیاری از جوانان کشور است. جایکه اگر شناخت درستی از آن نداشته باشید می‌تواند زمین تا آسمان با رویاتان فرق داشته باشد. اما اگر آن را از زبان کسانی که در فضایش زیسته‌اند بشناسید، باید بگویم دوران دانشجویی شیرین و پرماجری در انتظاراتان خواهد بود.

اغلب مردم تصویری که از دانشگاه شریف دارند، یک دبیرستان بزرگتر است. جایکه شاید تنها تفاوتش با محیط قبلی مختلط بودن آن است. جایکه مثل دبیرستان تا رسیدن به مقطع تحصیلی بعدی باید فقط درس خواند. اما عده‌ای دیگر تصویر متفاوتی تری دارند. دانشگاه شریف را به مثابه یک جامعه‌ی سیاست زده می‌پندارند و اگر کسی از اطرافیان‌شان در این دانشگاه پذیرفته شود، اولین توصیه‌شان این است که خودت را قاطی مسائل سیاسی دانشگاه نکن! که البته باید پذیرفت وجود سیاستمداران حاشیه‌داری که فارغ‌التحصیل شریف هستند در بوجود آمدن این نگاه موثر بوده است.

شریف دانشگاهی است که می‌تواند از شما یک مهندس یا دانشمند، یک هنرمند، یک سیاستمدار یا حتی یک روحانی بسازد و اینکه کدامیک بشوید، به خودتان، علاقه و استعدادتان و مسیری که در دانشگاه انتخاب می‌کنید بستگی دارد.

به محض ورود به دانشگاه اولین واقعیتی که با آن مواجه می‌شوید و باید بپذیرید، دانش‌جو بودن است. اصلی‌ترین تفاوت اینجا و محیط آموزشی قبلی، همین است، تبدیل شدن از یک دانش‌آموز به یک دانش‌جو. این جمله را در سطح ابتدایی در ترم دوم درک خواهید کرد، زمانی که سرگردان و پریشان دنبال گرفتن واحد‌هایی هستید که در سیستم آموزش به شما نرسیده است! درک سطوح دیگر هم در شب‌های تحویل تمرین و امتحان محقق خواهد شد! زمانی که با عمل ناپسند اما رایج «کپ زدن» مواجه شوید. دومین واقعیت پیش‌روی شما این است که برخلاف تصور عموم، اینجا یک دانشگاه تک بعدی نیست و شما می‌توانید برخلاف جمعیت کثیری از دانشجویان شریفی، جزو آن اقلیتی باشید که چند بعدی بودن را انتخاب کرده‌اند. چرا که شریف کانون‌های فرهنگی، هنری، مذهبی، گروه‌های خیریه، تیم‌های ورزشی و تشکل‌های سیاسی اجتماعی زیادی را در دل چار دیواری کوچک خود جای داده است. هیئت الزهرا هم که این روزها در ایام محرم روزهای شلوغ خود را می‌گذرانند، همراه جدانشدنی شریفی‌ها در ایام مذهبی ست. من در این نوشتار قصد ندارم شما را به طور جزئی با این گروه‌ها و کانون‌ها و... آشنا کنم که اساسا امری نشدنی ست و بهتر است آنها را از زبان خودشان بشناسید.

در مورد فضاهای آموزشی دانشگاه بسیار گفته‌اند و خواهند گفت. درمورد سلف هم، بی‌شک صف‌های طولانی برخی غذاها از خاطرات ناخوشایند شریفی‌هاست که شما هم تجربه خواهید کرد!

بالتر که بیایم به کتابخانه مرکزی می‌رسیم. پاتوق اصلی شریفی‌های درس‌خوان! اما آن شریفی‌ای برنده است که در کنار سالن‌های مطالعه، گاهی هم به بخش امانت کتاب سر بزند. بسیاری از دانش‌ها در کتاب‌های درسی ما نیست و باید آنها را در سایت کتابخانه جست‌وجو کرد.

محمد صالح سلطانی

ورودی ۹۷ ارشد صنایع

معرفی
مستقل

دقیقش را بخواهید، می‌شود یازده سال پیش. جایی در میانه‌ی سال ۱۳۸۷. جایی که گروهی از دانشجویان دانشگاه‌مان را به تصمیم تاسیس «انجمن اسلامی دانشجویان مستقل» رساند.

دانشگاه ما، یکی از قدیمی‌ترین انجمن‌های اسلامی دانشجویی را داشت. انجمنی با سابقه طولانی و کارنامه‌ای درخشان. انجمن شریف ما هم اما در هیاهوی تحولات سریع دهه‌هفتاد، تغییر کرد. خوب یا بد؟ بماند! اما «تغییر» کرد. جمعی از فعالین انجمن‌های اسلامی دانشجویی که این تغییر را دیدند، طرح نویی در انداختند و در کنار دهه‌ها دانشگاه دیگر، انجمن اسلامی دانشجویان مستقل را به دانشگاه ما هم آوردند. مستقل شریف، سال ۱۳۸۷ تاسیس شد و امسال، یازدهمین سال فعالیت خود را جشن می‌گیرد. تمرکز اصلی فعالیت‌ها در انجمن مستقل شریف حول محور چهار واحد سیاسی، فرهنگی، تشکیلات و رسانه است.

پچه‌های واحد سیاسی امسال و در آستانه‌ی انتخابات مجلس، بر «ماجرای مجلس» متمرکز شده‌اند و تا دوم اسفند، بر جنبه‌های گوناگون یک «مجلس خوب» تمرکز می‌کنند به این امید که مجلس یازدهم، مثل این مجلس نباشد و مضحکه‌ی تمامی جریان‌های سیاسی نشود. واحد فرهنگی مستقل شریف بیش از هر چیز با نشریه «الف‌ها» شناخته می‌شود. نشریه‌ای تخصصی در حوزه فرهنگ و هنر که عموماً بر ادبیات و سینما تمرکز می‌کند. علاوه بر این، برگزاری برنامه‌های فرهنگی از جنس اکران فیلم و حلقه‌های مطالعاتی هم در چارچوب فعالیت‌های واحد فرهنگی قرار می‌گیرد.

بروپچه‌های واحد تشکیلات، علاوه بر وظیفه کلاسیک‌شان که پذیرش و جذب اعضای جدید برای انجمن است، برنامه‌ریزی اردوهای تفریحی و تشکیلاتی شکل را هم بر عهده دارند و هوای تازه‌ی مستقل را تأمین می‌کنند.

واحد رسانه، «صدف» را منتشر می‌کند. نشریه رسمی انجمن که هر دو هفته یک‌بار به مهم‌ترین موضوعات سیاسی و اجتماعی می‌پردازد و همین جا باید تأکید کنیم از مطالب و نظرات همه‌ی شما استقبال می‌کند. مدیریت و به‌روز رسانی صفحات رسمی تشکل در پیام‌رسان‌ها هم با رفقای این واحد است.

کارگروه زنان و خانواده، جدیدترین گروه تشکیل‌شده در انجمن مستقل است که به صورت تخصصی در مسائل حوزه‌ی زنان کنکاش می‌کند و برای تبیین مدل درست فعالیت اجتماعی زنان، و احقاق حقوق آنان برنامه‌های زیادی دارد. این کارگروه نشریه «طلوع» را هم برای هم‌صحبتی با مخاطبان‌ش، منتشر خواهد کرد.

فعالیت‌های انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه شریف، محدود به این حوزه‌ها نیست و اساساً محدودیت‌بردار نیست! بنابراین اگر ایده‌ای دارید و حرف تازه‌ای، و اگر می‌خواهید تجربه‌ی کار تشکیلاتی و جمعی را از سر بگذارید، در مستقل شریف به روی شما باز است. باز...

تو خود آفتاب خود باش



نمی‌خواهیم ماجرا را کلیشه‌ای کنیم اما شنیدن چم‌وخم‌های زندگی دانشجویی از زبان کسی که تا انتهای این مسیر را رفته و حالا یک آدم موفق محسوب می‌شود، در این ابتدای مسیر برای شما از هر چیزی واجب‌تر است. ما هم بر اساس همین «واجب»، رفتیم سراغ یکی از آدم‌های موفق. دکتر محمد مسعودی. کسی که هم زندگی تشکیلاتی داشته و دبیر اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان مستقل بوده و هم زندگی علمی موفق دارد و پس از اخذ دکترا از دانشگاه گنت بلژیک، این روزها استاد دانشگاه است و مدتی در دانشکده‌ی برق دانشگاه خودمان هم به عنوان «استاد مدعو» تدریس داشته. یادداشت شفاهی ایشان را این هفته بخوانید و گفتگویمان با دکتر مسعودی را در شماره‌های بعد...

من هم دوران لیسانس هم فوق لیسانس را در خوابگاه بودم، هم چند ماه اول دکترا در بلژیک در خوابگاه بودم. خیلی خلاصه بخواهم چکیده تجربیات چند سال زندگی خوابگاهی را بگویم می‌شود این‌ها:

۱- نسبت به عمر خود، خسیس باشید و به راحتی آن را در اختیار دیگران قرار ندهید.
۲- برای خودتان برنامه داشته باشید. اگر نه، دیگران برنامه شما را پر میکنند. آن وقت چشم به هم می‌زنید می‌بینید این چند سال تمام شده و رفته و اون طور که شایسته بوده رشد نکردید.

نکته مهم این هست که دوران لیسانس بهترین دوران زندگی انسان برای رشد همه جانبه هست. رشد علمی. رشد معنوی. بروز استعدادها و نهفته ادمی در حوزه هنر، مدیریت، فرهنگ و سیاست. باید مراقب باشیم تک بعدی رشد نکنیم. در این دوره دانشجو نقد وقت کافی دارد تا بتواند در چند بُعد رشد کند. اگر هم در این زمینه کوتاهی کند بعداً قطعاً پشیمان خواهد شد. می‌شود هم شاگرد ممتاز دانشگاه بود هم در بقیه زمینه‌ها رشد کرد. این رشد همه جانبه و رسیدن به قله‌های بالای انسانیت چند تا نکته دارد. اول اینکه ایمان داشته باشیم به اینکه می‌خواهیم و در توان ما هست که به قله برسیم. دوم اراده کنیم سوم برای رسیدن به این قله برنامه ریزی کنیم. نقشه تهیه کنیم. برای تهیه این برنامه و نقشه از راهنما استفاده کنیم. حالا این راهنما افرادی هستند که این مسیر را طی کردند. میدونن کجا چاله هست کجا چاه و دره هست مسیر هموار کجاست. این نکته خیلی مهمی هست که تا می‌توانیم مشورت و راهنمایی بگیریم و با چشم باز در این مسیر گام بر داریم. چهارم اینکه برای رسیدن به قله بگردیم دنبال همسفر خوب. همسفری که او هم می‌خواهد به این قله برسد. خیلی نکته مهمی هست و همسفر خوب، همه جوره ما را تقویت می‌کند. در طی این مسیر چهارساله خیلی وقت‌ها آدم‌ها سست می‌شوند یا انگیزه هایشان جابجا می‌شود یا دچار غفلت می‌شوند. بعضی‌ها که دچار رفیق و دوستی می‌شوند که به جای مسیر قله، مسیر دره را نشان می‌دهد و کلاً نابود می‌کنند. اینها چیزهایی هست که به چشم دیدم. هم در دوران دانشجویی خودم هم بعدش. کلاً این مسئله همسفر خوب و هم اتاقی خوب و هم‌کلاسی خوب خیلی به انسان کمک می‌کند. نکته پنجم اینکه تا اینجا کار با دعای خیر پدر و مادر آمدم بالا و مدیونشان هستیم. از آن‌ها بخواهیم که همه جوره دعایمان کنند تا این مسیر را طی کنیم. دعای پدر و مادر و احترام گذاشتن به پدر و مادر و تواضع نسبت به ایشان واقعاً گره گشا هست.

نکته ششم اینکه در راه رسیدن به قله، تعادل را حفظ کنیم. اگر شما یک مسیر طولانی را با سرعت زیاد بدوی بدون اینکه تغذیه کافی داشته باشی یا زمانی برای استراحت بگذاری، قطعاً از پا در میای! رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود. رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود. در این مسیر باید حواسمان باشه همه جانبه یک رشد متعادل داشته باشیم نه اینکه کاریکاتوری در بعضی جنبه‌ها رشد کنیم و در بعضی جنبه‌ها هیچ دانش و تجربه‌ای نداشته باشیم. نکته هفتم اینکه برای حرکت در این مسیر باید دست دیگران را هم بگیریم. اگر دیدیم کسی دوست دارد به قله برسد اما در مسیر دره است، کمکش کنیم؛ نه اینکه هوش بدهم بروم ته دره که مثلاً یک رقیب کم شده باشد! باید برای رسیدن به قله از خودخواهی و نردبان قرار دادن دیگران پرهیز کنیم.

نکته هشتم اینکه باهوش بودن به تنهایی ما را به قله نمی‌رساند / چه بسیار آدم‌های زیادی که با هوش متوسط ولی با پشتکار زیاد به مراتب بالا رسیده‌اند. شما که هوش بالایی داری، اگر کنارش پشت کار داشته باشی خیلی با سرعت بیشتر می‌روی بالا. در کنار کسب علم دروس دانشگاهی، نگاهی به تکنولوژی داشته باشیم نگاهی به مهارت‌های کسب و کار، تقویت زبان، مسلط شدن بر برنامه نویسی برنامه‌های منبع باز. به لحاظ رشد معنوی هم کمترین توشه این هست که دستان را از دست مسجد دانشگاه خارج نکنیم. مسجدی که همیشه یک تکیه‌گاه معنوی هست و میزبان شهدای عزیز گمنام.